



سال دوم. شماره سوم. بهار و تابستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۲۱

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

اعتبارسنجی محتوایی روایات امن بودن شهر قم | سید محمدحسن موسوی مهر^۱

چکیده

در روایتی از امام صادق علیه السلام، شهر قم از بلایا در امان دانسته شده و به شیعیان توصیه شده است که به گاه فتنه‌ها به این شهر پناه ببرند، این در حالی است که در حوادث گوناگون، شاهد آن بوده‌ایم که این شهر از گزند آسیب در امان نمانده است، از قبیل سیل، زلزله و بیماری‌های فراگیر. به این جهت پرسشی پیش می‌آید که این دورا چگونه می‌توان با یکدیگر جمع کرد؟ در این مقاله که به روش تحلیلی - توصیفی گرد آمده است، به دنبال پاسخ به شبهه فوق بوده، احتمال مجهول و ساختگی بودن روایات مربوط به امنیت در قم رد شده و به اعتبارسنجی محتوایی آنها با رویکردی فقه الحدیثی - تجربی و تاریخی پرداخته شد و در نتیجه ثابت شده که دسته‌ای از این روایات زمانمند بوده، به همین جهت شبهه شامل آنها نمی‌شود، و روایات غیر زمانمند نیز دارای سه بخش هستند: برخی مربوط به امنیت از ستم‌پیشگان، و برخی مربوط به عذاب و بلای آسمانی، و برخی مربوط به القانات شیطانی و مصونیت در بُعد مسائل معنوی هستند که هر یک از این سه مد نظر باشد، هیچ تنافی‌ای با وجود برخی مشکلات از قبیل سیل، بیماری و... ندارد. روایت صحیحی که به صورت کلی، هر نوع بلا و مشکل و گرفتاری را از این شهر به دور بداند، وجود ندارد.

واژگان کلیدی: امنیت در قم، شهر قم، بلا و فتنه، بیماری کرونا، روایات، COVID-19.

Content Evaluation of Narrations Regarding Qom's Security

Seyyed Muhammad Hasan Mousavi Mehr¹

7



Vol. 2, No. 3, Spring & Summer 2020



It has been narrated on the authority of Imam Sadiq (P.B.U.H.) that Qom is immune to disasters and Shia are suggested to seek refuge in this city during trials (fitan), whereas we have witnessed this city has not been unaffected by damages in the time of different incidents, such as flood, earthquake and epidemics. Thus this question is raised that how these two matters should be interpreted? In this descriptive-analytical study which has been designed to answer this question, likelihood of unfamiliarity and fabrication of these narrations was denied and their contents were evaluated through analytical (fiqh al-ḥadīthī)-empirical and historical approaches. As a result, there were found that one group of traditions are temporal, so they are not questionable and non-temporal traditions are divided into three categories: protection from oppressors, celestial punishment and disaster, and evil temptations and immunization in spiritual aspect. None of these three is in contrast to other difficulties like flood, illness, etc. There is no sound narration stating generally that no disaster, problem and difficulty will occur in this city.

Keywords: security in Qom, city of Qom, disaster and trial, corona disease, traditions, covid-19.

1. Senior teacher at Mashhad Seminary. mo.mosavimehr@mail.um.ac.ir.

التحقق من صحة مضمون الروايات حول الامنية في مدينة قم

سيد محمدحسن موسوي مهر^١

في رواية للإمام صادق عليه السلام، تعتبر مدينة قم آمنة من الكوارث وينصح الشيعة باللجوء إليها من نقطة الفتنة، بينما شهدنا في حوادث مختلفة أن هذه المدينة ليست بمأمن من الأذى. كالفيضانات والزلازل والأوبئة. لذا فالسؤال هو، كيف يمكن جمع هذين معاً؟ في هذه المقالة الذي تم تجميعها بطريقة تحليلية وصفية تم البحث عن الإجابة على هذه الشبهة الفوقية، استبعد احتمال أن تكون الروايات المتعلقة بالأمن في قم مجهولة وملفقة. وتم التحقق من صحة محتواها بأسلوب الحديث - التجريبي والفقهِ التاريخي. ونتيجة لذلك فقد ثبت أن بعض هذه الروايات زمنية فلا يشملها الشك كما أن الروايات غير الزمنية لها ثلاثة أجزاء: بعضها يتعلق بأمن الظالمين، وبعضها يتعلق بالعذاب السماوي، وبعضها يتعلق بالغرائر الشريرة والحصانة في بُعد الأمور الروحية الشر والحصانة هما في بُعد القضايا الروحية التي يُنظر فيها إلى كل من هذه الثلاثة، فلا تناقض على الرغم من بعض المشاكل كالفيضانات والأمراض وما إلى ذلك. ولا توجد رواية صحيحة بشكل عام على علم بأي مصيبة ومشكلة ومشقة بعيداً عن هذه المدينة.

الكلمات الأساسية: الأمن في قم، مدينة قم، النكبة والفتنة، أمراض البائيه، الروايات، كوفيد-١٩.

٢٠٨

حديث
رواية
مطابق

١٩





۱. مقدمه

در اواخر سال ۱۳۹۸ هجری شمسی، در ایران همچون بسیاری از کشورهای جهان، بیماری به نام «کرونا» (COVID-19) فراگیر شده و به سرعت گسترش یافت و موجبات نگرانی بسیاری را فراهم ساخت. اما در این بین، آنچه به گمان عده‌ای عجیب به نظر آمد و شبهاتی را در اذهان پدید آورد، شناسایی و اعلام ورود این ویروس در کشور از شهر قم بود،^۱ و این باعث شد شبهه‌ای به سرعت در فضای مجازی مطرح شود (yjc.ir/fa/news/7277983) که چگونه می‌توان این واقعیت را با روایت امام صادق علیه السلام جمع کرد؟ حضرت فرمود: «إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ وَ حَوَالَيْهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۴/۵۷)؛ یعنی: «هنگامی که همه شهرها را فتنه‌ها فرا گرفت، بر شما باد [پناه بردن] به قم و اطرافش که بلا از آن به دور است».

پرسشی که مطرح شده، این است که اگر شهر قم، شهر امنیت و آسایش است، چرا باید یکی از اولین اماکن دچار شده به این بیماری باشد؟ البته این روایت و روایات مشابه، از دیرباز خواستگاه شبهاتی همچون وجود سیل، زلزله، جنگ و دیگر مشکلات در شهر قم بوده که در این مقاله، به دنبال بررسی روایات امن بودن شهر قم و اعتبارسنجی محتوای آنها (برای نمونه رک: سید شیرازی و قناعتگر، ۱۳۹۸: سراسر اثر) با رویکردی فقه الحدیثی - تجربی و تاریخی هستیم تا از این رهگذر، پاسخ شبهه مذکور نیز داده شود.

۲. اعتبار روایات

حدود بیست روایت صرفاً با مضمون امن بودن شهر قم در مجامع روایی شیعه وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. با این وجود، عده‌ای روایات مدح و فضیلت شهر قم را به طور عام، دچار ضعف سندی دانسته‌اند؛ (حسینی و جلالی، ۱۳۹۱) امری که نسبت به بسیاری از شهرها، اقوام و اشخاص به دلیل اغراض دنیوی و بعضاً اخروی رواج داشته است. (کریمی قهی، ۱۳۸۷؛ کریمی و طاووسی مسرور، ۱۳۸۹) اما به اعتقاد نویسنده، این حقیقت نسبت به روایات امن بودن شهر قم صادق نیست، یا حداقل با شواهدی برخلاف آن روبه‌رو می‌باشد؛ چرا که علاوه بر تعداد زیاد این روایات، شهر قم به دلیل ترویج آشکار و بدون تقیه مذهب تشیع امامی و اعلام آن به عنوان مذهب رسمی، (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۷۷۹-۷۷۸) امتناع از

پرداخت خراج به حکومت مرکزی، تقدیم آشکار خمس اموال خود به ائمه علیهم السلام و ممانعت از ورود والیان غیر شیعی به شهر، (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۹: ۶۷/۹) شاهد جنگ و درگیری با برخی خلفا، از جمله مأمون و معتصم بوده است. (جمعی از مؤلفان زیر نظر احمد رضا خضری، ۱۳۸۶: ۱۷۱/۲) به همین جهت، انگیزه دنیوی برای جعل روایت در مورد آن بسیار دور از ذهن می‌نماید؛ همان طور که با توجه به روحیه برخی از بزرگان این شهر و رویکرد سخت‌گیرانه ایشان نسبت به نقل روایت، (کشی، ۱۳۴۸: ۵۱۲) تا آنجا که منجر به تبعید دسته‌ای از راویان که در نقل روایت سهل‌انگاری می‌کردند، شد؛ (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۳۹ و ۶۶؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۵؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۴) می‌توان ادعا کرد که شهر قم از جذابیت کافی برای جعل حدیث برخوردار نبوده است. بدین جهت می‌توان اطمینان به صدور این مضمون از معصومان علیهم السلام پیدا کرد. از این رو از بررسی یک روایات خودداری نموده، وجه همت خود را به تحلیل مضمونی آنها معطوف می‌داریم.

۳. مضمون روایات

برای بررسی مضمونی روایات، توجه به این نکته ضرورت دارد که مجموعه احادیث مربوط به امنیت در شهر قم، از یک منظر به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۳-۱. روایات تاریخمند

دسته اول روایاتی که ناظر به قضیه خارجی بوده و اصطلاحاً تاریخمند هستند، بنابراین قابلیت تعمیم به تمام زمان‌ها را ندارد. از این رو چنانچه قم شاهد بدترین شرایط و بلاها نیز باشد، خللی به این دست روایات وارد نمی‌شود. این دسته به سه بخش تقسیم می‌شود:

۳-۱-۱. مربوط به زمان عباسیان

برخی از روایات مربوط به فتنه‌های زمان بنی‌عباس می‌باشد و تاریخ نیز گواه صدق پیشگویی امامان شیعه در این باره می‌باشد. (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۹: ۶۷/۹) سلیمان بن صالح نقل می‌کند: «روزی نزد امام صادق علیه السلام بودیم که سخن از فتن [خلفا] بنی‌عباس و آنچه از سوی ایشان به مردم خواهد رسید به میان آمد. به امام عرض کردیم در آن زمان به کجا پناه برده و فرار کنیم؟ حضرت فرمود: به کوفه و اطراف آن و [نیز] به قم و اطراف آن. سپس فرمود: در قم





شیعیان و دستداران ما حضور دارند [و شما را از گزند عباسیان ایمن خواهند داشت]...» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۵/۵۷؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۰/۲۰۶)

در ابتدای روایت، راوی تصریح می‌کند که سخن از فتنه‌های بنی‌عباس به میان آمده و امام در پاسخ به این سؤال که در آن زمان به کجا پناه ببریم، ضمن اشاره به حضور شیعیان در قم، آنجا را محل امنی معرفی می‌فرماید.

۳-۱-۲. مربوط به زمان ظهور امام عصر علیه السلام

برخی از روایات نیز ظهور در این دارد که ایمن بودن شهر قم مربوط به فتن پیش از ظهور امام زمان علیه السلام است:

۱- از عبدالله بن سنان روایت شده است که: «از امام صادق علیه السلام سؤال شد: بلاد جبل کجاست؟ چرا که برای ما روایت شده است زمانی که امر به شما بازگردانده شود، خسفی اتفاق می‌افتد [وزمین فرو می‌رود]. امام علیه السلام فرمود: در جبل مکانی است که به آن بحر گفته می‌شود و به قم نامیده شده و آن معدن شیعیان ماست. اما ری، پس وای بر آن [شهر] از دو جناح آن، و امنیت در آن از جهت قم و اهل آن خواهد بود... اهل ری به قم پناهنده شده، و مردمان قم آنها را پناه می‌دهند، سپس از آنجا به اردستان منتقل می‌شوند.» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۷/۲۱۲)

جمله «زمانی که امر به شما بازگردانده شود»، ظهور در بازگردانده شدن زعامت و خلافت به اهل البیت علیهم السلام دارد و این امر اتفاق نمی‌افتد، مگر در زمان ظهور؛ همان طور که تعبیر خسف و فرو رفتن در زمین نیز که در روایت آمده، می‌تواند شاهی بر این مدعا باشد؛ زیرا در مجموع روایات، به جز خسف بیداء که از نشانه‌های حتمی ظهور است، از چهار خسف دیگر سخن به میان آمده است که تمام آنها مربوط به ظهور امام عصر علیه السلام می‌باشد. (آیتی، ۱۳۸۹: ۳۶-۴۲)

۲- از ابوموسی اشعری روایت شده که از [امیر مؤمنان] علی بن ابی طالب علیه السلام درباره سالم‌ترین و بهترین شهرها و مکان‌ها هنگام نازل شدن فتنه‌ها و ظاهر شدن شمشیرها سؤال کردم. حضرت فرمود: «سالم‌ترین نقاط در آن روز، سرزمین جبل است. زمانی که در خراسان اغتشاش روی دهد و میان مردم گرگان و طبرستان جنگ درگیرد و سجستان [یا سیستان] خراب

شود، در آن هنگام سالم‌ترین مواضع، شهر قم است؛ شهری که از آنجا یاران بهترین مردم از جهت پدر و مادر و جد و جده و عمو و عمه [یعنی: یاران مهدی موعود علیه السلام] برمی‌خیزند؛ شهری که زهرا نامیده شده است.» (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۵۳۱؛ اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۷/۵۷)

ظهور این روایت نیز احتمالاً در وقایع آخرالزمانی است. گرچه در اینکه مقصود از سلامت در آن، سلامت اعتقادی است یا سلامت ظاهری و مصون ماندن از آسیب‌های جنگ، نیازمند بررسی است، ولی از آنجا که این امر در نتیجه تحقیق پیش رو تأثیری ندارد، از آن صرف نظر می‌کنیم.

۳-۱-۳. مربوط به زمانی نامشخص

برخی از روایات نیز با وجود تاریخمند بودن، زمان واقعه مذکور را تعیین نکرده و آن را به صورت مبهم گذاشته‌اند. از آن جمله می‌توان به روایات زیر اشاره کرد:

۱- محمدبن خالد از برخی اصحاب خود روایت می‌کند: «ما خدمت امام صادق علیه السلام نشستیم بودیم که ناگاه آن حضرت [بدون اینکه کسی سخنی بگوید] آغاز به سخن نموده، فرمود: خراسان، خراسان، سجستان، سجستان! گویا مردم آنجا را می‌بینم که سوار بر شتران شده و با سرعت به طرف قم می‌روند.» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۵/۵۷)

البته در ترجمه کهن کتاب «تاریخ قم» در پایان روایت چنین نقل شده است که «و این گاهی باشد که پنج‌یک از دو ذانک روی بدیشان آرند»؛ (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۶) یعنی: «این [اتفاق] مربوط به زمانی است که یک‌پنجم از مردمان این دو خطه به سوی قم حرکت کنند». کنایه از اینکه حجم انبوهی از مردم این دو سرزمین به سمت قم روانه می‌شوند. و با توجه به اینکه در تاریخ چنین رویدادی نقل نشده است، بنابراین محتمل می‌نماید که این روایت مربوط به حوادث آخرالزمانی باشد.

۲- محمدبن جعفر [فرزند امام صادق علیه السلام] از پدر خویش چنین نقل می‌کند که حضرت فرمود: «چون بلا و رنجی به شما رسید، بر شما باد که به قم [بروید] که آنجا جایگاه فاطمین و آسایشگاه مؤمنان است، و زمانی خواهد آمد که اولیا و دوستان ما از ما دور شده و مجبور به کوچ از شهرهای ما می‌شوند و این به صلاح آنهاست که به دوستی [و محبت] ما شناخته





نشوند، و خون و مالشان محفوظ بماند. کسی به قم و مردمش سوء قصد نمی‌کند، الا اینکه خداوند او را خوار نموده و از رحمت خود دور می‌نماید.» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۵/۵۷-۲۱۴)

بی‌تردید جمله «و زمانی خواهد آمد که اولیا و دوستان ما از ما دور شده و مجبور به کوچ از شهرهای ما می‌شوند...» بی‌جهت و بدون مناسبت در میان دو جمله‌ای که مربوط به شهر قم است نیامده. آنچه به ذهن می‌رسد، این است که این جمله تطبیق زمان بلا و رنجی است که حضرت در ابتدای سخن به آن اشاره فرمودند. بنابراین نمی‌توان صدر روایت را حکمی عام و کلی در نظر گرفت، بلکه مربوط به زمانی است که حضرت پیشگویی آن را فرموده است.

۳- از امام صادق علیه السلام نقل است که: «وقتی امنیت از بندگان گرفته شد و مردم بر اسبان سوار شدند (و به تاخت و تاز پرداختند) و از زن‌ها و بوی خوش کناره‌گیری کردند، پس از جوار آنها فرار کنید. گفتم: فدای شما به کجا فرار کنیم؟ فرمود: به کوفه و اطراف آن یا به سوی قم و اطراف آن؛ چون بلا از آن دو شهر دفع شده است.» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۴/۵۷؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۰/۲۰۵)

۲-۳. روایات عام و غیر تاریخمند

همان گونه که بیان شد، روایات دسته اول ارتباطی با شبهه مورد بحث ندارد؛ چه اینکه حتی اگر آن روایات را به معنای راحتی مطلق تفسیر کنیم، منافاتی با عدم امنیت یا وجود بلا در زمان دیگر نخواهد داشت. آنچه به ظاهر مشکل می‌باشد، روایات عام و غیر تاریخمند است. این دست از روایات نیز به چند بخش تقسیم می‌شود:

۱-۲-۳. امنیت جانی و مالی از ستم‌پیشگان

دست کم شش روایت در ارتباط با امنیت مردم قم از گزند ستم‌پیشگان وجود دارد که در ادامه خواهد آمد:

۱- محمد بن فضیل از تعدادی از اصحاب خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که: «بر فراز قم فرشته‌ای است که بال‌های خود را بر این شهر گسترانیده [و از این شهر حفاظت می‌کند]، هیچ ستمگر و زورگویی [قصد] سوئی به قم نمی‌کند، جز آنکه خدا او را ذوب می‌نماید [و از

بین می‌برد] همچون ذوب شدن نمک در آب. (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۵) سپس آن حضرت به عیسی بن عبدالله اشاره کرده، فرمودند: درود خدا بر مردم قم، خدا شهرشان را سیر باران کند، و برکات خود را بر آنها نازل کند، و بدی‌های آنان را به حسنات مبدل کند، آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعود هستند، آنان فقها و علمای بافهم هستند، آنان اهل درک حقایق و نقل روایات هستند و در عبادت نیکویند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۱۷/۵۷)

۲- روایت دیگری که در این ارتباط وجود دارد، روایتی است از حماد ناب که چنین نقل می‌کند: «گروهی خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که عمران بن عبدالله قمی وارد شد. امام علیه السلام از [حال] او سؤال کرد و نسبت به او نیکی نمود و با خوشرویی برخورد کرد. وقتی [عمران] بلند شد [ورفت]، به امام عرض کردم: این فردی که به او این چنین خوبی کردی چه کسی بود؟ فرمود: از خاندان نجبا بود - یعنی مردم قم - که هیچ زورگویی آهنگ آنها نکند، جز آنکه خداوند او را بشکند [و خرد نماید.]» (کشی، ۱۳۴۸: ۳۳۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۶/۴۷ و ۲۱۲/۵۷-۲۱۱)

۳- و در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «هنگامی که بلا و گرفتاری همگانی شد، امنیت در کوفه و اطراف آن ... و در قم و اطراف آن ... خواهد بود، و قم برای انسانی که [بر جان خود] می‌ترسد و در حال گشتن [و فرار از شهری به شهر دیگر است] مکان خوبی می‌باشد.» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۱۴/۵۷)

روشن است مضمون این روایات که در برخی روایات تاریخ‌مند هم وجود داشت، (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۱۵/۵۷-۲۱۴) هیچ تنافی با وجود سایر ابتلائات همچون بیماری، سیل، رنج و درد و... در شهر قم ندارد، بلکه در روایت ابوالاکراد از امام صادق علیه السلام که می‌آید، گفته شده وجود گرفتاری‌هایی از این دست را عامل دفع شرِ ستمگران از اهل قم دانسته‌اند.

۴- ابوالاکراد از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «دین و اهل دین در قم خوار و زبون‌اند و اگر چنین نبود، مردم به‌سوی قم می‌شتافتند و قم ویران می‌شد و مردمانش از میان می‌رفتند و حجت [توسط ایشان] بر سایر شهرها تمام نمی‌گشت، و آن‌گاه آسمان و زمین برپا نمی‌ماند و یک چشم برهم زدن مهلت نمی‌داشتند و به‌راستی که [چنین نیست]، بلاها از قم





و مردم آن به دور است... و به درستی که فرشته‌ها بلاها را از قم و مردمش دور می‌کنند، و هیچ زورگویی به آن سوء قصد نکند، جز اینکه قاصم الجبارین [یعنی خدای تبارک و تعالی] او را خرد و به وسیله گرفتاری، مصیبت یا دشمنی او را از آنها باز دارد. خداوند جباران را در دوران حکومتشان به فراموشی از قم و مردمش دچار می‌کند همچنان که [آنها] یاد خدا را فراموش کرده‌اند.» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۶۷-۲۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۳/۵۷-۲۱۲)

با توجه به اینکه «خداوند هیچ چیز را جز از راه اسباب [طبیعی آن] عملی نمی‌سازد»، (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۸۳) این روایت به نیکی، راه طبیعی‌ای را که خدا برای مصون داشتن قم از گزند ظالمان قرار داده، تبیین می‌کند، و آن خوار شدن دین است در قم.

اما اشکالی که ممکن است به مجموعه این روایات وارد شود، آن است که تاریخ شاهد حمله برخی از ظالمان و ستمگران به شهر قم بوده است. (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۰۶؛ شاردن، ۱۳۳۶: ۸۰/۳؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۵۰) بنابراین نمی‌توان مضمون این روایات را پذیرفت.

در پاسخ باید گفت اولاً نسبت به شهرهایی که اهمیت چندانی از بُعد سیاسی و ... نداشته‌اند، بسا نقل‌های تاریخی متفاوت و مختلفی وجود داشته باشد. شهر قم نیز از این قاعده مستثنا نیست. مثلاً در ارتباط با حمله تیمور به این شهر، شاردن^۲ و فیگوئروا^۳ معتقد هستند تیمور شهر را با خاک یکسان ساخت، ولی در سفرنامه اوژن فلاندن^۴ چنین آمده است: «تیمور لنگ به قم چندان لطمه نرسانده و شاید از برکت فاطمه باشد. به راستی باید گفت تیمور به شهر قم کاری نداشته و تنها دل بستگی اش به غنایم و جواهراتی بود که توده مقدسین در مرقد فاطمه گرد ساخته بودند.» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۵۴)

ثانیاً این امنیت به صورت دائمی نیست، بلکه همان گونه که قرآن می‌فرماید: «خداوند حال [و سرنوشت] قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان خود، حال [و سرنوشت] خود را تغییر دهند» (رعد: ۱۱)، در روایات شیعه نیز تأکید شده است که این امنیت تا زمانی ادامه خواهد داشت که مردم قم مرتکب اعمالی نشوند که آنها را مستحق تسلط ستمگران بسازد، از جمله:

۵- ابو مسلم عبدی از امام صادق علیه السلام چنین روایت می‌کند که حضرت فرمود: «تربت قم مقدّس است و مردم قم از ما هستند و ما هم از آنها هستیم، هیچ ستمگری قصد بد به اهل قم نمی‌کند، مگر اینکه عذاب او جلو می‌افتد تا وقتی که مردم [این شهر] به برادران خود خیانت

نکنند (نسخه بدل: تا احوال ایشان تغییر نکند)، ولی وقتی که خیانت (یا تغییر) کنند، خداوند ستمگران را بر آنان مسلط می‌کند.» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۶۳-۲۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۹/۵۷-۲۱۸)

۶- همچنین از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که فرمود: «قم آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پناهگاه شیعیان ایشان است، ولی به زودی گروهی از جوانان این شهر به خاطر نافرمانی پدرانشان و سبک شمردن و مسخره کردن بزرگان و کهنسالان نابود می‌شوند، ولی با همه اینها، خداوند شر دشمنان و هرگونه بدی را از آنان دفع می‌کند.» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۴/۵۷)

گرچه در پایان این روایت آمده است که «با همه اینها خداوند شر دشمنان و هرگونه بدی را از آنان دفع می‌کند»، ولی این فقره مانع استدلال به صدر روایت نیست؛ چرا که بی‌تردید روایت ناظر به یک واقعه خارجی است و بی‌شک در آن برهه باوجود بی‌توجهی برخی از جوانان به آموزه‌های دینی، عده زیادی ملتزم به اموری بوده‌اند که شهر قم را از دچار شدن به عذاب و تسلط دشمنان مصون می‌داشته است. شاهد بر این مدعا علاوه بر جمله (مع هذا کله حق عز و علا بلا از ایشان دفع کرده است)، به سبب بیزار شدن ایشان از دشمنان و همچنین هر بدی را» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۴) که در نسخه این روایت از کتاب تاریخ قم آمده است، روایاتی می‌باشد که در بخش بعد خواهد آمد و دلالت بر عدم تأثیر ویژگی سرزمینی در ایمنی شهر قم دارد.

۳-۲-۲. امنیت از بلاها و مصائب

با توجه به آنچه گذشت که بلا و عذاب نتیجه سوء رفتار انسان‌ها می‌باشد و در مقابل، کردار نیک مانع عذاب می‌گردد، می‌توان تفسیر دیگری از روایات امنیت در شهر قم ارائه نمود و آن را مشروط به وجود انسان‌های پارسا و پرهیزگاری دانست که در این شهر زندگی می‌کرده‌اند.

۱- در روایتی که مرحوم مجلسی اول آن را صحیح می‌داند، (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۲۷/۱۴) آمده است: «وقتی زکریابن آدم قمی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: مولای من! می‌خواهم از میان خاندانم بیرون بروم چرا که نابخردان [در میان آنها] زیاد شده‌اند، حضرت فرمود: [این کار را] مکن؛ زیرا به [واسطه وجود] تو، بلا از مردم قم دور می‌شود، آن چنان‌که به [واسطه وجود امام





هفتم] ابوالحسن الکاظم علیه السلام، بلا از مردم بغداد دور است.» (کشی، ۱۳۴۸: ۵۹۴؛ حلی، ۱۴۱۱: ۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۷/۷۵ و ۲۲۱)

۲- در روایتی دیگر آمده است که امام صادق علیه السلام زمانی که از کوفه و تهی شدن این شهر از مؤمنان و نماندن علم از آن و پدیدار شدنش در قم سخن به میان آورد، چنین فرمود: «[در آن زمان] خدا قم و مردمش را قائم مقام حجت می‌سازد، و اگر چنین نبود، زمین اهلس را فرو می‌برد و حجتی در زمین نمی‌ماند، و دانش از این شهر به همه شهرها در مشرق و مغرب منتشر خواهد شد و حجت خدا بر مردم تمام شود. تا کسی در روی زمین نماند که دین و علم به او نرسد.» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۳/۵۷)

چنین شخصیت‌هایی که قائم مقام حجت بوده و مانع از فرو رفتن اهل زمین در آن باشند، بی‌تردید هر کجا باشند، جلوی عذاب الهی را خواهند گرفت. امام باقر علیه السلام در روایتی فرمود: «خداوند به [دلیل وجود] یک مؤمن، نیستی و نابودی را از یک آبادی [و شهر] دفع می‌نماید.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۷/۲)

ملا صالح مازندرانی در شرح خود بر کافی چنین می‌نویسد: «[حکم و] قضای الهی بر این تعلق گرفته است که وقتی اراده نماید قومی را دچار عذاب یا عقوبت کند یا در گرفتاری و سختی آنها را قرار دهد، از میان آنها علما و صالحین را خارج می‌سازد؛ حال یا با مرگ، یا با غائب شدن [از آن شهر و به شهر و دیار دیگری رفتن].» (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۲۵۰/۶)

البته مقدار عذاب و گرفتاری که چنین افرادی از شهرها برمی‌دارند، متفاوت با مقدار عذابی است که امام و حجت خدا مانع می‌شود، همچنان‌که نسبت به خود معصومان علیهم السلام هم این تفاوت به چشم می‌خورد؛ یعنی آنکه یکی از علت‌های وجود آنها، برداشته شدن عذاب از اهل زمین است. (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱۲۳/۱) در روایات متعدد این مضمون آمده است که: «دو چیز در زمین مایه امان از عذاب خدا بود: یکی از آن دو برداشته شد، پس دیگری را دریابید و بدان چنگ زنید. اما امانی که برداشته شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، و امان باقی مانده، استغفار کردن است.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۵۴/۲؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۸۳، حکمت ۸۸)

مقصود این روایت آن است که بخشی از امان با رفتن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از میان رفته است، نه همه آن؛ چرا که خود گوینده سخن (یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام) به حسب سایر روایات، مایه

امنیت از عذاب است. شاهد بر این مدعا نیز کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام است که از آن برداشت می شود امان از دست رفته با وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، امان از فتنه ها [اجتماعی] است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۰۷/۹)

جمع بندی: اگر این تفسیر را بپذیریم، شبهه مطرح شده در مورد امنیت قم پاسخ داده خواهد شد. چه اینکه روایات مذکور با وجود اینکه تصریح به رفع بلا از این شهر می کند، تمام بلایا و مصائب را مرتفع نمی داند، بلکه صرفاً برخی از ابتلائات به برکت وجود انسان های پارسا از قم برداشته شده است. به بیان دیگر، شهر قم مصون از تمام بلاها نیست، ولی از بسیاری از ابتلائات که در سایر شهرها امکان تحقق آنها وجود دارد، مصون است. طبق این احتمال، قم خصوصیتی ندارد، بلکه از باب اینکه محل سکونت و تجمع علما و صالحان بوده، مورد عنایت واقع شده است. شاهد بر این مدعا آن است که در روایتی که پیش تر به آن اشاره شد، امام صادق علیه السلام پس از آنکه قم را از شر ستمگران محفوظ می داند و برای اهالی آن دعا می کند، در مقام علت این دو، به توصیف اهالی قم پرداخته، چنین می فرماید: «آنها اهل رکوع و سجود و قیام و قعود هستند، آنان فقها و علمای بافهم می باشند، آنان اهل درک حقایق و نقل روایات هستند و در عبادت نیکویند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۷/۵۷)

در اصول گفته شده است که دخیل دانستن وصفی در موضوع حکم، اشاره به علت بودن آن وصف دارد. (انصاری، ۱۴۲۴: ۹/۳) بنابراین ذکر خصوصیات فوق برای اهل قم در کلام امام صادق علیه السلام، اشاره به علت مصون بودن این شهر از بلایا دارد.

۳-۲-۳. امنیت از شبهات و القائنات شیطانی

احتمال سوم در ارتباط با معنای امان در شهر قم آن است که این شهر به دلیل وجود علم و علما، از شبهات اعتقادی و دینی در امان است، بنابراین مردم این شهر و سایر افرادی که اعتقادات خود را از آن می گیرند - که در حکم اهالی این شهر محسوب می شوند - از القائنات شیطان و فتن و بلا به دور هستند. در روایتی عیسی بن عبدالله اشعری از امام صادق علیه السلام نقل می کند که از پدران خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت فرمود: «چون مرا به آسمان بردند ... نگاه کردم به یک بقعه از زمین کوهستان که سرخ بود، زیباتر از رنگ زعفران و خوشبوتر از مشک به ناگاه بر آن پیرمردی بود که کلاه بلندی بر سر داشت. به جبرئیل گفتم: این مکان ... چیست؟





گفت: سرزمین شیعه تو و شیعه علی علیه السلام است. گفتم این پیر کلاه دراز کیست؟ گفت ابلیس. گفتم از آنها چه می خواهد؟ گفت: می خواهد آنها را از دوستی علی باز دارد و به فسق و هرزگی وادارد. گفتم: ای جبرئیل! ما را نزد آنها فرود آور. ما را ... فرود آورد و گفتم: برخیز ای ملعون، و با دشمنان‌شان در مال و فرزند و زن شریک شو که تو را تسلطی بر شیعه من و شیعه علی نیست، و آنجا قم نامیده شد.» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۵۷۲/۲؛ اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۶۲-۲۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۷/۵۷ و ۲۱۷)

در روایات متعددی بر نقش سترگ علما در حفظ شیعه تأکید شده، از جمله امام صادق علیه السلام فرمودند: «علمای شیعیان ما در [کنار] مرزی هستند که در سوی دیگر آن ابلیس و دار و دسته اش می باشند. اینان مانع از شیاطین می شوند که به ضعفای شیعیان ما حمله کنند، و از اینکه ابلیس و پیروانش و نواصب (دشمنان اهل بیت) بر آنان مسلط شوند.» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۷/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۲)

در روایت دیگر، امام حسن عسکری علیه السلام از پدر بزرگوار خود نقل می کند که: «اگر در پس غیبت امام قائم علیه السلام علمایی نبودند که داعی به سوی او بوده و به او راهنمایی کنند، و با براهین الهی از دین او دفاع نمایند، و بندگان مستضعف خدا را از دام ابلیس و اعوانش برهانند، و از بند ناصبی ها رهایی بخشند، همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد می شدند. لکن علما کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می کنند، همچون ناخدای کشتی که سگان آن را در دست دارد. این گروه همان شخصیت های برتر و افضل در نزد خداوند عزّ و جلّ می باشند.» (حسن بن علی علیه السلام، ۱۴۰۹: ۳۴۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۵۵/۲)

و ده ها روایت دیگری که بیان کننده نقش سترگ علمای شیعه در محافظت و حراست از عقاید شیعه است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶/۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۸۶/۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۷/۱؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۱۳۲/۲)

بی تردید این روایت که «اگر اهل قم نبودند دین تباہ می شد»، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۷/۵۷) به حقیقت پیش گفته اشاره دارد. شاهد بر اراده این معنا از روایات امنیت در قم، روایتی است که تصریح می کند شهر قم در ایمنی از غم و اندوه و سختی ها نخواهد بود. امام هادی علیه السلام از جد خود امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... [در] آسمان چهارم...

جبرئیل [به من] گفت: [آنچه می بینی] شکل شهری است که به آن «قم» گفته می شود که بندگان مؤمن خدا در آنجا اجتماع می کنند و در انتظار محمّد و شفاعت او در قیامت و روز حساب به سر می برند، [این در حالی است که] غم و اندوه و سختی ها به آنها روی می آورد.» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۱/۱۸ و ۲۰۷/۵۷)

۳-۲-۴. امنیت به صورت مطلق

در میان روایات مربوط به امنیت در شهر قم، دو روایت وجود دارد که ظاهراً به صورت مطلق، وجود امنیت را برای قم اثبات می کند:

۱- روایت اول روایتی است از امام صادق علیه السلام که در آن حضرت فرمود: «زمانی که همه شهرها را فتنه گرفت، بر شما باد که به قم و حوالی و نواحی اطراف آن بروید؛ زیرا بلا از آن دفع شده است.» (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۲۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۴/۵۷)

۲- روایت دوم نیز روایتی است با همین مضمون که از امام رضا علیه السلام به صورت مرفوع نقل شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۷/۵۷ و ۲۲۸)

به نظر اساس شبهه ای که نسبت به روایات امنیت در قم مطرح شده، بر پایه فهم غلط از این دو روایت استوار است؛ چرا که این دو را چنین تفسیر نموده اند که شهر قم از تمام سختی ها، مرارت ها رنج ها و... مصون می باشد. در حالی که قراین و شواهد زیر این برداشت را رد می کند:

۱- ابتدا باید گفت که برای برداشت صحیح از روایات لازم است به مجموع کلمات اهل البیت علیهم السلام به صورت یکجا نظر داشت، وگر نه بی تردید به بیراهه خواهیم رفت. از امام باقر علیه السلام

سؤال شد علت اختلاف اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به مسح پا چیست؟ حضرت، فقدان توجه به سایر روایات صادر شده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را عامل آن دانستند. (برقی، ۱۳۷۱:

۲۹۹/۲) همچنان که امیرالمؤمنین علیه السلام نیز یکی از اسباب اختلاف احادیث و در نتیجه اختلاف در امت اسلامی را همین امر معرفی می کند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳/۱) حال با توجه به این

مقدمه، بی تردید بسیاری از آیات و روایات، برداشت فوق را رد می کند؛ چه اینکه بسیاری از آموزه های دینی، دنیا را سرای مشکلات و گرفتاری ها می داند؛ قرآن آفرینش انسان را در رنج و

سختی معرفی می کند (بلد: ۴) و ضمن تأکید بر آزمایش مردم (عنکبوت: ۲)، امتحانات سختی همچون ترس و گرسنگی، کاهش اموال و جان ها و محصولات را وعده قطعی می دهد





(بقره: ۱۵۵). نبی مکرم اسلام ﷺ نیز در این باره می‌فرماید: «هرکس چیزی را طلب کند که آفریده نشده است، خود را به زحمت انداخته و چیزی نصیب او نمی‌گردد. از پیامبر ﷺ سؤال شد: آن چیست که خلق نشده است؟ فرمود: راحتی در دنیا.» (شعیری، بی‌تا: ۱۸۴)

ایشان در نقل دیگری فرمود: «این [دنیا] خانه غم است، نه خانه سرور و خانه دشواری است، نه سرای آسودگی.» (دیلمی، ۱۴۰۸: ۳۴۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۷/۷۴)

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز اهل دنیا را هدف تیر حوادث، طوفان زده ماتم‌ها و به غارت برده شده مصیبت‌ها می‌داند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۷) و دنیا را خانه‌ای پوشیده از بلاها معرفی می‌کند. (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۴۸، خطبه ۲۲۶) به محمدبن ابی بکر گوشزد می‌نماید که بدان! دنیا سرای گرفتاری و فناست و آخرت سرای جاودانگی و جزا. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۷۹؛ ثقفی، ۱۳۹۵: ۲۲۹/۱) شبیه به این مضمون در برخی کتب دیگر نیز آمده است. (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۶۴/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۲/۷۰) در جایی دیگر سختی‌های دنیا را بی‌پایان و بلاهایش را دائمی معرفی می‌کند. (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۵۲، خطبه ۲۳۰؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵) این گوشه‌ای از مجموعه مطالبی است که در ارتباط با وجود سختی و مشقت در دنیا وجود دارد که بی‌تردید، بسیاری از آنها غیر قابل تخصیص بوده و احتمال این را که شهر قم یک استثنا باشد، رد می‌کند.

۲- دقت در متن دو حدیث مذکور نیز سست بودن اشکال را روشن می‌سازد. در این دو حدیث، کلمه «الفتن» (جمع فتنه) آمده است. با مراجعه به کتب لغت درمی‌یابیم که فتنه در معانی مختلفی استعمال شده است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۸/۴۲۶-۴۲۴) ولی برخی بازگشت همه این معانی را به «ایجاد اختلال [در زندگی] و اضطراب [در مردم]» دانسته‌اند» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۴/۹) که به باور عده‌ای، سه مصداق یا معنای کلی می‌تواند داشته باشد:

۱- عذاب؛ ۲- ابتلاء؛ ۳- جنگ [و نزاع] میان مردم. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۱۲۸-۱۲۷؛

الصاحب، ۱۴۱۴: ۹/۴۴۵) که دو معنای اول مربوط به خداوند، و معنای سوم نتیجه فریب و اغواگری شیطان است. از این رو راغب در مفردات چنین می‌گوید: «فتنه از افعالی است که [می‌تواند] از جانب خداوند باشد و [می‌تواند] از جانب بندگان ... هرگاه فتنه از جانب خداوند

باشد، [بی تردید] از سر حکمت است و زمانی که از جانب انسان‌ها و بدون امر الهی صورت بگیرد، مخالف حکمت خواهد بود.» (راغب، ۱۴۱۲: ۶۲۴)

با این توضیح باید گفت که فتنه در دو روایت مذکور، یا به معنای سوم - یعنی جنگ و نزاع و اموری است که از پیروی شیطان سرمنشأ می‌گیرد است، و یا به معنای عذاب که پیش‌تر آن را مورد بررسی قرار دادیم. در هر حال به معنای دوم یعنی آزمایش الهی و ابتلائاتی از قبیل بیماری و... نخواهد بود؛ چرا که خود اهل البیت علیهم‌السلام به شیعیان توصیه نموده‌اند که «نگویید: خدایا از فتنه به تو پناه می‌برم؛ زیرا کسی نیست که دچار امتحان و فتنه نباشد، لکن آن که می‌خواهد به خدا پناه ببرد، از آزمایش‌های گمراه‌کننده پناه ببرد.» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۸۳، حکمت ۹۳)

بنابراین نمی‌توان پذیرفت که «فتنه» در دو حدیث مذکور به معنای امتحان الهی باشد و ائمه علیهم‌السلام به شیعیان توصیه کرده باشند که از امتحان الهی به قم پناه ببرید، بلکه با توجه به این حقیقت که هنگام نزول عذاب، راه فراری از آن نخواهد بود (یونس: ۹۸)، می‌توان نتیجه گرفت که مقصود از فتنه در دو روایت مذکور، معنای سوم آن است. شاهد بر این مدعا نیز کار بست واژه «فتنه» در روایات مشابه است. مثلاً امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «والی ستمگر بسیار ظلم‌کننده، بهتر است از فتنه [و فقدان حکومت وقتی] که دائمی باشد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۶۴؛ لثی، ۱۳۷۶: ۵۰۵)

واضح است حضرت در این روایت به دنبال هشدار دادن به شیعیان هستند و از این بُعد، این روایت شبیه روایات مورد بحث می‌باشد و به قرینه ذکر والی ستمگر، امام، فتنه‌های حاصل از هرج و مرج و بی‌قانونی را بدتر از حاکم ستمگر و قانون ظالمانه می‌داند. بنابراین فتنه به معنای سوم آن است که در روایات، مورد مراقبت و پرهیز اختیاری واقع شده است. باید دانست که معنای سوم فتنه صرفاً جنگ و فقدان امنیت نمی‌باشد، بلکه شامل ابعاد اجتماعی و اخلاقی نیز هست. به همین جهت در روایتی آمده است: «اگر کسی از شما [دخترتان را] خواستگاری کرد و دین و امانتداری او را پسندیدید، به او دختر بدهید که اگر این کار را انجام ندهید، موجب [ایجاد] فتنه در زمین و فساد بزرگ خواهد شد.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴۷/۵؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۹۳/۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۹۶/۷)





این نکته نیز شایان توجه است که بر فرض عدم پذیرش آنچه در مورد معنای روایت گفته شد، حداقل باید پذیرفت که روایات دارای اجمال بوده و قابل استدلال در مورد شبهه مذکور نیست. و بهتر است علم روایت را به اهل آن واگذار کرد؛ چنانکه در برخی روایات بر این مطلب تأکید شده است.

۳- ممکن است عموم علت در این دو روایت این تصور را ایجاد کند که امام در مقام بیان امن دانستن شهر قم از هر نامالایمات و مشکلی بوده‌اند. در پاسخ اولاً باید دید مقصود از بلا چیست؟ می‌توان به قرینه سایر روایات، بلا در این روایت را ناظر به بلاها و مصائب دانست که در احتمال دوم از معنای امنیت به آن اشاره شد. و ثانیاً در علم اصول ثابت است که همیشه از علت، عمومیت برداشت نمی‌شود، بلکه در برخی موارد به مناسبت حکم و موضوع، از عموم علت دست برداشته و آن را اختصاص به مورد حکم می‌دهیم. (انصاری، ۱۴۲۴: ۱/۲۳۴؛ خوبی، ۱۴۲۲: ۱/۱۶۸)

۴- در ابتدای مقاله بیان شد برخی قائل به ضعف سندی روایات مدح و فضیلت شهر قم هستند و گذشت که این باور با توجه به تواتر معنوی یا حداقل تواتر اجمالی این روایات قابل پذیرش نیست، اما در علم اصول ثابت شده است که در تواتر اجمالی و معنوی لازم است به قدر متیقن از مفاد روایات اخذ شود. (خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۹۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱: ۴۳۷/۶) بنابراین از آنجا که دو روایت پیش‌گفته مرسل هستند و با عنایت به اینکه اگر معنای آنها را عام در نظر بگیریم، مفادشان از تمام روایات وسیع‌تر خواهد بود؛ باید گفت که این دو روایت نه از راه سند و نه از باب تواتر، حجت نبوده و قابل استناد نمی‌باشند.

۵- در علوم حدیث ثابت شده است که چنانچه روایتی مخالف با تجارب قطعی باشد، یا باید روایت را از حجیت ساقط بدانیم، و یا ملتزم به اراده معنایی غیر از معنای ظاهری آن بشویم (آشناور و دیگران، ۱۳۹۷) و در مورد شهر قم نیز تجارب قطعی بر این شهادت می‌دهد که این شهر از نامالایمات به‌صورت عام ایمن نبوده و نیست. بنابراین حتی اگر این دو روایت دارای سندی صحیح می‌بود، لازم بود که یا آنها را توجیه کنیم، و یا از حجیت ساقط بدانیم، یا علم آن را به اهلهش واگذار کنیم.

نتیجه‌گیری

نسبت به روایات بیان‌کننده امنیت در شهر قم، می‌توان نتایج زیر را به‌دست داد:

۱- با توجه به تعداد این روایات، ویژگی‌های سیاسی - مذهبی شهر قم و حساسیت بزرگان آن نسبت به جعل حدیث، مجعول بودن همه این روایات دور از ذهن می‌نماید. به همین جهت، ادعای اطمینان به صدور مضمون آنها از معصومان علیهم‌السلام، ادعایی قابل پذیرش می‌باشد.

۲- دسته‌ای از این روایات تاریخمند و در اصطلاح، مربوط به قضایای خارجی بوده و قابل استنباط حکم کلی نمی‌باشد.

۳- دسته‌ای از روایات که تاریخمند نیستند، یا ناظر به امنیت جانی از ستمگران، و یا امنیت از بلا و عذاب الهی، و یا امنیت از شبهات و القائنات شیطانی می‌باشد، و البته این سه معنا قابل جمع با یکدیگر هستند و می‌توان شهر قم را مصون از هر سه خطر دانست.

۴- از مجموع روایات امنیت در شهر قم استفاده می‌شود که امنیت در این شهر به خصوصیات جغرافیایی آن مربوط نبوده، بلکه به دلیل حضور انسان‌های عالم و پارسا و نوع رفتار مردم این شهر می‌باشد و در صورت تغییر در رفتار و اعمال ایشان، بی‌شک این مصونیت نیز دچار دگرگونی خواهد شد.

۵- در هیچ یک از روایات مربوط به امنیت در شهر قم، رفاه به‌صورت مطلق و همیشگی مطرح نیست و تنها دو روایت وجود دارد که به‌ظاهر تمام بلایا و مشکلات را از قم به‌دور می‌داند که تأمل در این دو روایت نیز روشن می‌سازد که آنها مربوط به فتنه‌های اجتماعی و اعتقادی است و ارتباطی به امنیت مطلق ندارد و حداقل این دو روایت مجمل بوده و قابل استدلال نمی‌باشد.

۶- بر فرض قبول عمومیت مضمونی دو روایت مذکور، به دلیل ضعف سندی و مخالفت مضمون آنها با تجارب قطعی و قاعده حاکم بر روایات متواتر معنوی و اجمالی، از درجه اعتبار ساقط خواهند بود.



پی‌نوشت‌ها

۱- عده‌ای ادعا و اعلام آغاز بیماری از شهر قم را منکر شده و نوعی تبلیغ علیه این شهر دانستند.

(irna.ir/news/83682059)

2- Jean Chardin

3- Garciade Silva Figueroa

4- Eugene Flandin

۱۹۶



اعتبارسنجی محتوای روایات امن بودن شهر قم



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.

۲. آشناور، مہدی، ابراہیم ابراہیمی، علی حسن بگی و کیوان احسانی (۱۳۹۷ش)، «اعتبارسنجی نقد حدیث بر پایه علوم تجربی»، *مطالعات فہم حدیث*، قزوین: شماره ۹، پاییز و زمستان، ص ۳۵-۵۸.

۳. آیتی، نصرت اللہ (۱۳۸۹ش)، «خسف بیداء»، *مشرق موعود*، قم: سال چہارم، شماره ۱۴، تابستان، ص ۲۹-۵۸.

۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن ہبہ اللہ (۱۴۰۴ق)، *شرح نہج البلاغہ*، قم: مکتبہ آیۃ اللہ المرعشی النجفی.

۵. ابن بابویہ، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، قم: جامعہ مدرسین.

۶. ابن بابویہ، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، *علل الشرایع*، قم: کتاب فروشی داوری.

۷. ابن بابویہ، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضرہ الفقیہ*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعہ مدرسین.

۸. ابن شعبہ حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعہ مدرسین.

۹. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴ش)، *الرجال لابن الغضائری*، قم: اسماعیلیان.

۱۰. ابن فقیہ، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، *البلدان (ابن الفقیہ)*، تحقیق یوسف ہادی، بیروت: عالم الکتب.

۱۱. اربلی، علی بن عیسیٰ (۱۳۸۱ش)، *کشف الغمۃ فی معرفۃ الأئمۃ*، تصحیح ہاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی ہاشم.

۱۲. اشعری قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵ش)، *تاریخ قم*، ترجمہ تاج الدین قمی، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم: کتابخانہ آیۃ اللہ مرعشی نجفی.

۱۳. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغۃ*، بیروت: عالم الکتب.

۱۴. انصاری، مرتضیٰ بن محمد امین (۱۴۲۴ق)، *فرائد الاصول*، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

۱۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ش)، *المحاسن*، قم: دار الکتب الاسلامیہ.

۱۶. بلاذری، احمد بن یحییٰ (۱۹۸۸م)، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبہ الهلال.





۱۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۸. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۳۹۵ش)، *الغارات*، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۹. جمعی از مؤلفان زیر نظر احمد رضا خضری (۱۳۸۶ش)، *تاریخ تشیع*، چاپ سوم، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه و سمت.
۲۰. جنابان، محمد (۱۳۹۸)، «کرونا در قم، همه چیز از یک آزمایش شروع شد»، irna.ir/news/83682059.
۲۱. حسن بن علی علیه السلام (۱۴۰۹ق)، *التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام*، قم: مدرسه الإمام المهدي علیه السلام.
۲۲. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الفکر.
۲۳. حسینی، بی بی زینب، مهدی جلالی (۱۳۹۱ش)، «بررسی روایات فضایل و مثالب شهر قم»، *علوم حدیث*، قم: دوره ۱۷، شماره ۶۳، بهار، ص ۱۲۹-۱۵۳.
۲۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، *خلاصة الاقوال فی معرفة احوال الرجال*، نجف: دار الذخائر.
۲۵. خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۹ق)، *کفایة الاصول*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۶. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، *مصباح الاصول*، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۲۷. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق)، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۸. راغب، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
۲۹. سیدشیرازی، سید محمدجواد، مصطفی فناعتگر (۱۳۹۸ش)، «اعتبارسنجی محتوایی شماری از گزاره‌های کتاب توحید مفضل با رویکرد عرضه بر روایات شیعی»، *مطالعات اعتبارسنجی حدیث*، مشهد: دوره اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، ص ۸۵-۱۱۰.
۳۰. شاردن، ژان (۱۳۳۶ش)، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیر کبیر.
۳۱. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغة*، قم: هجرت.
۳۲. شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، *جامع الأخبار*، نجف: مطبعة حیدریه.

۳۳. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تصحیح محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.

۳۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحكام، تحقیق حسن خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ش)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمیه.

۳۶. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۱ش)، اصول فقه شیعه، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.

۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.

۳۸. فلاندن، اوژن (۱۳۵۶ش)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.

۳۹. فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳ش)، سفرنامه فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.

۴۰. کریمی قهی، منصوره (۱۳۸۷ش)، «انگیزه‌های فضیلت سازی برای اقوام و شهرها»، نامه تاریخ پژوهان، قم، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز، ص ۸۰-۱۰۵.

۴۱. کریمی، محمود، سعید طاووسی مسرور (۱۳۸۹ش)، «انگیزه‌های سیاسی در جعل روایات مدح و ذم بلاد»، دانش سیاسی، تهران: سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان، ص ۸۵-۱۲۷.

۴۲. کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ش)، اختیار معرفة الرجال، مشهد: دانشگاه فردوسی.

۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۴۴. لیبی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحدیث.

۴۵. مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ش)، شرح اصول کافی، تهران: المكتبة الاسلامیه.

۴۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴۷. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی پناه اشتهاردی و حسین موسوی کرمانی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.

۴۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



۴۹. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، *الاختصاص*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.

۵۰. نجاشی، احمدبن علی (۱۴۰۷ق)، *فهرست اسماء مصنفی الشیعه (رجال نجاشی)*، قم: جامعه مدرسین.

۵۱. نورائی یگانه، حسن (۱۳۹۸)، «پاسخ به شبهه معاندین در خصوص شیوع کرونا در قم»، yjc.ir/fa/news/7277983.

۵۲. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.

۵۳. یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۹ش)، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی (مدخل اشعریان)*، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

